

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۸ فیروزی ۲۰۱۳

آیا «پ.ک.ک»

به سرنوشت چریک های «تامیل» دچار خواهد شد؟!

سه تن از نمایندگان کرد پارلمان ترکیه روز شنبه، ۲۳ فیروزی ۲۰۱۳ با عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (P.K.K) دیدار کردند. این دیدار در زندان جزیره امرالی ترکیه در نزدیکی استانبول و در چارچوب تلاش ها برای پایان دادن به سه دهه جنگ دولت ترکیه علیه مردم، صورت گرفته است.

عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک، ۱۴ است که تنها زندانی این جزیره است. اوجالان، از ۱۴ فیروزی سال ۱۹۹۹، دوران حبس ابد خود را در این جزیره می گذراند. اما اکنون دولت ترکیه مجبور شده است با وی به مذاکره بنشیند.

رجب طیب اردوغان، نخست وزیر فعلی ترکیه و رهبر حزب اسلامی «عدالت و توسعه»، دو ماه پیش رئیس سازمان امنیت ترکیه را به ایمرالی فرستاد و به اوجالان پیام صلح داد.

روند تحولات ترکیه، نشان می دهد که تقریباً همه احزاب ترک و کرد در پارلمان این کشور، موافقت خود را با این مذاکره اعلام کرده اند. تحولاتی که مسیر آن از «زندان ایمرالی» می گذرد. به این ترتیب، مذاکرات دولت ترکیه با اوجالان ادامه دارد.

روزنامه سراسری «حریت» چاپ ترکیه، به نقل از یالچین آکدوغان، مشاور ارشد رجب طیب اردوغان، نخست وزیر این کشور نوشت که امکان پیروزی نظامی بر گروه پ.ک.ک وجود ندارد.

به گفته رسانه های ترکیه این مذاکرات که به مدت چهار ساعت به طول کشیده از سوی مسئولان امنیتی ترکیه در زندان صورت گرفته است. به گفته آکدوغان «هدف از این مذاکرات خلع سلاح پ.ک.ک بوده است.» مذاکرات میان مسئولان ترکیه و اوجالان در روز ۲۳ دسمبر سال ۲۰۱۲، صورت گرفته است. مقامات ترکیه، ادعا می کنند که تنها در سال ۲۰۱۲، حدود هزار و ۴۵۰ جنگجوی کرد کشته شدند.

روزنامه المانی «برلینر ساینونگ» درباره مذاکرات اخیر، نوشته بود: «رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، چراغ سبز برای انجام مذاکره با عبدالله اوجالان را داده است. اعتصاب غذای ۹ هفته ای زندانیان کرد در نومبر ۲۰۱۲ و دستور اوجالان برای پایان دادن به این اعتصاب نشان داد که نفوذ وی هم چنان پابرجاست. به نظر می رسد که پایان دادن به مبارزه مسلحانه بدون توافق با اوجالان، دشمن شماره یک ترکیه، ممکن نیست.

در تحلیل ها و گزارشات آمده است که احتمال دست یابی به توافقی میان دو طرف که براساس آن کردهای ترکیه در مقابل کسب حقوق بیش تر به مبارزه مسلحانه علیه دولت خاتمه داده شود، بیش تر شده است.

در دسامبر سال ۲۰۱۲ میلادی، گزارش شد که رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه خاقان فیدان، یک مقام ارشد اطلاعاتی را برای مذاکره با اوجالان به جزیره امرالی فرستاده است. پس از آن به دو نماینده کرد پارلمان هم اجازه ملاقات با عبدالله اوجالان داده شد. دیدار این نمایندگان حزب صلح و دموکراسی (BDP)، دومین دیدار با اوجالان از زمان شروع مذاکرات صلح در دسامبر سال گذشته است.

نمایندگان حزب «صلح و دموکراسی»، به ایمرالی رفته بودند تا درباره خلع سلاح پ.ک.ک و تغییر یا اصلاح قانون اساسی ترکیه با اوجالان مذاکره کنند. پروین بولدان، یکی از اعضای این هیأت، از طرف اوجالان سخن گفت. وی، گفت: «ما در حال حاضر تنها اجازه داریم که سه پیام اوجالان را با شما در میان بگذاریم: نخست، اوجالان سلام خود را به همه فعالان رسانه ای و خبرنگاران ترکیه رساند و از همه زحمات، تلاش ها و حمایت های آنان از مذاکره های صلح تشکر کرد.

دوم، اوجالان مقطع کنونی و به ویژه گفت و گوی امروز را تاریخی، حساس و تعیین کننده دانست و از دولت، کردها و افکار عمومی ترکیه خواست هوشیارانه، ظرافت و حساسیت این مقطع را درک کنند و همه اقدامات در اوج هوشمندی انجام شود.

سوم، هم پ.ک.ک و هم ترکیه تعدادی زندانی در اختیار دارند. از پ.ک.ک خواست با همه اسیران به درستی و به شیوه انسانی برخورد کند و ابراز امیدواری کرد همه آنان آزاد شوند و به زودی نزد خانواده های خود بازگردند.» پروین بولدان، از پاسخ به سؤال های دیگر خودداری کرد و گفت باید زودتر پیام اوجالان را به سران حزب صلح و دموکراسی برساند.

چنین مذاکره ای که تا چند سال پیش محال به نظر می رسید، اما اکنون گام های نخستین در این باره در حالی برداشته شده است که اخیراً سه عضو پ.ک.ک در پاریس ترور شدند و هواپیماهای ترکیه نیز مقر پ.ک.ک را بمباران کردند. از سوئی، اعضا و هواداران احزاب حزب حرکت ملی (MHP) و حزب بزرگ متحد (BBP)، که هر دوی این احزاب، ناسیونالیست افراطی و فاشیست هستند دفتر حزب کمونیست ترکیه را اشغال کرده اند و به دفتر خانه خلق حمله نمودند و با ضرب و شتم وحشیانه ای بینی احمد تورک نماینده مجلس حزب «صلح و دموکراسی» (BDP) را نیز شکستند.

رئیس حزب جمهوریخواه خلق ترکیه خواستار عذرخواهی نخست وزیر این کشور درباره حمله هفته گذشته به نمایندگان حزب صلح و دموکراسی در شهر سینیوپ شد.

«حزب جمهوری خواه خلق» (CHP) اصلی ترین و بزرگ ترین حزب اپوزیسیون پارلمانی حزب حاکم «حزب عدالت و توسعه» (AKP) است. این حزب، خود را وارث سیاست های لائیک آتاتورک و ناسیونالیسم ترکی می داند. حزب توسعه و عدالت که افکار مذهبی دارد خود را به اصطلاح یک جریان ملی - مذهبی می داند. حزب حرکت ملی (MHP)، یک حزب ناسیونالیست افراطی و فاشیستی است. حزب صلح و دموکراسی (BDP) که یک حزب کردی است منافع خود را در روند دموکراتیزه شدن جامعه ترکیه می بیند. اکنون به نظر می رسد که همه این احزاب به این نتیجه رسیده اند که ادامه جنگ با مردم کرد، جز تخریب و ویران گری حاصلی دیگری ندارد از این رو، آن ها اجباراً تن به چنین سیاستی داده اند.

شبکه تلویزیونی تی آر تی ترکیه، اعلام کرد: کمال قلیچدار اوغلو رئیس حزب جمهوری خواه خلق در آنتالیا، گفت: نخست وزیر ترکیه هنوز درباره وقایع شهر سینیوپ عذرخواهی نکرده است اما ما هم چنان منتظر عذرخواهی وی هستیم. وی، افزود: در سیاست عذرخواهی نشانه خردمندی است. رئیس حزب جمهوری خواه خلق، با اشاره به این که حزب صلح و دموکراسی که پیش تر شهردار سینیوپ را که از اعضای حزب جمهوری خواه خلق است متهم به ارتباط با

این تنش ها کرده و سپس عذرخواهی کرده است، گفت: ما هم چنان منتظریم اردوغان به سبب اتهام زنی های خود عذرخواهی کند.

از هنگامی که جمهوری ترکیه به رهبری کمال آتاتورک تأسیس شد، همواره حقوق اقلیت های ملی به ویژه کردها، نه تنها زیر پا گذاشته شد، بلکه در کودتاهای «ژنرال ها» نیز مردم کرد شدیداً سرکوب شدند؛ میلیون ها خانواده کرد به نقاط دیگر ترکیه کوچ داده شدند و آگاهانه سرمایه گذاری و اشتغال در مناطق کردنشین ضعیف و ضعیف تر شد. پس از کودتای سپتامبر ۱۹۸۰، پ.ک.ک جنگ مسلحانه را آغاز کرد که تا به امروز ادامه دارد. در حملات پی در پی ارتش و نیروهای ویژه دولتی به کردستان، حدود چهل هزار نفر جان باخته و چندین برابر آن نیز زخمی و معلول شده اند.

اخیراً ۷۰۰ زندانی کرد در زندان های ترکیه دست به اعتصاب غذا زده بودند نخست دولت ترکیه در مقابل خواسته های آنان مقاومت نشان داد اما سپس بر اثر فشار افکار عمومی داخل ترکیه و در سطح بین المللی، اجباراً عقب نشینی کرد و لایحه ای به مجلس برد که تکلم به زبان کردی را در محاکم قضائی این کشور مجاز می شمارد. حق صحبت به زبان مادری در بازجویی و دادگاه، از مطالبات اصلی زندانیان اعتصابی بود.

بحث و گفت و گو بر سر «مسأله کرد»، در روزنامه ها و کانال های خبری تلویزیون ترکیه و هم چنین شبکه های اجتماعی مجازی نیز در سطح گسترده ای در جریان است. علاوه بر این ها، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و فعالان عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در این راستا تلاش های گسترده ای را آغاز کرده اند.

از «باشار کمال» رمان نویس مشهور ترکیه گرفته تا «ابراهیم تاتلی سس» خواننده کردتبار موسیقی ترکیه، که در بین ترک ها نیز از محبوبیت خاصی برخوردار است از این مذاکرات و به رسمیت شناختن حقوق مردم کرد استقبال کرده اند. تاتلی سی، در پیام صفحه توئیتر خود که صدها هزار بازدید کننده دارد، نوشته است: «۴۰ سال از عمر هنری ام در حسرت آشتی گذشت. احساس می کنم عمر زیادی برای من باقی نمانده است. پس نگذارید در آرزوی آشتی بمیریم و کاری کنید که چشمان ما روی آرامش و صلح و برادری را ببیند.»

الهام ایشیک، یک میانجی کرد که از سال ۱۹۹۷ بین عبدالله اوجالان و سازمان اطلاعات ترکیه (میت) میانجی گری می کند، اتفاقاتی را که در رابطه با خلع سلاح پ.ک.ک در ترکیه افتاده را به «بهار دیررس» توصیف می کند و ابراز نظر کرده است که از دید اوجالان جنگ پایان یافته است و هیچ توجیهی برای ادامه فعالیت مسلحانه وجود ندارد. وی به حل مسأله کرد در ترکیه امیدوار است.

رسانه های ترکیه خبر مربوط به حمایت مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، از مذاکرات دولت ترکیه با اوجالان را هم به صورت گسترده ای بازتاب دادند. روزنامه های ترکیه در باره این مذاکره، نوشتند: «بارزانی در خلع سلاح و اقناع کردن حزب کارگران کردستان پ.ک.ک برای پایان دادن به فعالیت مسلحانه نقش مهمی برعهده خواهد داشت.»

در این میان، فرات نیوز، به نقل از دوران کالکان از رهبران پ.ک.ک درباره شرط اعلام آتش بس و توقف درگیری بین پ.ک.ک و دولت ترکیه، نوشت: «اعلام آتش بس نیاز به هوای مساعد سیاسی و زمینه های مقدماتی دارد. اگر واقعاً حکومت ترکیه به صلح اعتقاد دارد و اعلام آتش بس را قدمی برای پیشرفت گفت و گوهای ایمرالی می داند، باید برنامه های خود را اعلام کند و نشان دهد که برای تحقق مطالبات کردها در چه مسیری حرکت می کند. اگر آنان برنامه خود را اعلام کنند، کردها با استقرار صلح و ثبات هیچ مشکل و مخالفتی ندارند.»

کالکان، در ادامه افزود: «رسیدن به صلح با روی کار بودن دولتی برآمده از حزب عدالت و توسعه و در سایه احزابی هم چون جمهوری خلق و حرکت ملی دشوار است و این احزاب در رفتار سیاسی خود همواره مرتکب اقداماتی می شوند که در راستای تهدید صلح و آرامش است. به عنوان مثال، اقدامات هیجانی و خشونت محور ملی گرایان ترک

پیش از آن که ریشه در عواطف نژادپرستانه داشته باشد، نتیجه و دستاورد اقدامات تحریک کننده احزابی است که ترک ها را مانند دشمن کردها به صحنه آورده و می خواهند آنان را به جان هم بیندازند.»

کالکان، هم چنین درباره نقش حزب صلح و دموکراسی در مذاکرات صلح گفت: «حزب عدالت و توسعه و دولت اردوغان اقداماتی انجام می دهند که بدون شک همه آگاهان سیاسی و طرفداران صلح را نگران می کند. همه ترکیه می داند که حزب صلح و دموکراسی برای آن که در مقطع گفت و گوهای صلح نقش سیاسی خود را به درستی ایفاء کند، به میدان آمده و خواهان سهیم شدن در گفت و گوهاست اما حزب عدالت و توسعه با ایجاد موانع و بهانه تراشی های بی دلیل همواره تلاش کرده تا نمایندگان حزب صلح و دموکراسی را از تلاش برای استقرار آرامش و دموکراسی بازدارد.»

رهبری پ.ک.ک، نباید به سادگی مبارزه مسلحانه را کنار بگذارد. چرا که تجارب تاریخی نشان داده است دولت ها پس از این که نیرو هائی که سابقه مبارزه مسلحانه داشته اند را پس از خلع سلاح، سرکوب کرده و وعده های پیشین خود را نقض گرفته اند. در این مورد چریک های تامیل یکی از آخرین نمونه های این نوع قتل های عام است.

بیش از ۱۵ درصد جمعیت سریلانکا را اقلیت تامیل تشکیل می دهد که سال هاست قربانی سرکوب و نسل کشی در این کشور هستند؛ موج تنش های سیاسی و جنگی که در طول یک ربع قرن، بیش از ۷۰۰ هزار کشته و میلیون ها آواره بر جای گذاشته است. حدود ۶۰ میلیون از تامیل ساکن هندوستان هستند. چند سال پیش «مرکز مطالعاتی گروه بحران بین المللی»، طی گزارشی اعلام کرده که در مراحل نهائی جنگ داخلی سریلانکا دست کم ۳۰ هزار غیرنظامی کشته شدند. حتی گروه های حقوق بشر وابسته به سازمان ملل نیز نیروهای دولتی را متهم به محدود کردن دسترسی اقلیت تامیل به دارو و مواد غذایی در طول جنگ کردند!

همین سیاست و جنایت مشابه را نیز حکومت های ترکیه، ایران، عراق و سوریه علیه مردم کرد به کار برده اند. هم چنین جنایاتی که چندین دهه است حکومت های اسرائیل علیه مردم فلسطین و لبنان مرتکب شده اند و جامعه جهانی نیز نظاره گر آن هاست!

جمهوری سریلانکا، از قرن ۱۹ میلادی تا زمان استقلال در چهارم فیبروری ۱۹۴۸ از جمله مستعمرات انگلیس بوده است. ۲۲ درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و نرخ بی کاری در این کشور نیز حدود ۲/۵ درصد است. زبان «سین هالی»، زبان رسمی این کشور است. ولی مردم به زبان های تامیلی و انگلیسی نیز صحبت می کنند. زبان تامیلی که تامیل ها و مسلمانان به آن تکلم می کنند از زبان های کهن جهان است. قدمت تاریخ بیره های تامیل در شمال و شیرها (سینگ هالسان) در جنوب به پیش از تاریخ مسیح باز می گردد. برای مدت مدیدی مردمان این منطقه با مسالمت در کنار یکدیگر زندگی می کردند، تا زمانی که منطقه به تسخیر اروپائیان درآمده و مناطق مسکونی این دو قوم به مستعمره های جداگانه پرتغالی ها و هلندی ها تبدیل گردیدند. هنگامی که سریلانکا مستعمره واحد بریتانیا شد، این دو منطقه نیز به یکدیگر ملحق شدند، اما از همان زمان سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» نیز برقرار گشت.

پس از اعلام استقلال سریلانکا از استعمار بریتانیا در سال ۱۹۴۸، تامیلی ها همواره خواستار استقلال ملی و منطقه ئی خود بودند. اما در ازای استقلال، در سال ۱۹۵۶ قانونی وضع شد که طبق آن ورود دانش جویان تامیلی به دانشگاه ها سهمیه بندی شده و کسب مناصب سیاسی برای آنان ممنوع شد. در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، حکومت های سینگالی انواع سیاست های تبعیض گرانه از جمله در مورد زبان (دقیقا همان سیاستی را که احزاب سکولار طرفدار آتاتورک علیه مردم کرد و غیره در ترکیه به مرحله اجراء درآورده اند) را در مورد تامیل ها به کار بستند. همه مطالبات تامیل ها را بی پاسخ گذاشتند و آنان به جدائی طلبی محکوم کردند و کشتار نمودند.

جنگ نابرابر بین «ببرهای تامیل» و ارتش سری لانکا، تا سال ۲۰۰۳ بیش از ۶۰ هزار کشته و ۱۱ هزار ناپدید بر جای گذاشت. و تلاش های نادر برای گفت و گو با شکست مواجه شد.

در ۱۹۸۹ چریک های ببرهای تامیل به عنوان حزبی سیاسی ثبت نام کردند ولی فعالیت چریک های تامیل در شمال شرق ادامه داشت. وضعیت فعالیت این حزب رسمی از یک طرف و جریان مسلح آن را به یک جنبش اجتماعی قدرت مندی تبدیل کرد.

سازمان چریک های چپ ببرهای تامیل نیز توده عظیمی از زنان را جذب خود کرده است. حدود سی درصد این جبهه را زنان پارتیزان تشکیل می دهند. قطعه زنان «پرندگان آزادی» نامیده می شود. اولین زن پارتیزان در سال ۱۹۸۷، در حین درگیری با نیروهای حافظ صلح هندی از پای درآمد. تاکنون حدود ۴۰۰۰ هزار زن چریک تامیلی در درگیری با نیروهای دولتی جان باخته اند. یکی از جذابیت های حضور در بین نیروهای رزمنده برای زنان، علاوه بر مبارزه برای آزادی و سیاست های برابری طلبانه چپ، مقبولیت اجتماعی است که در غیر این صورت، جامعه سنتی تامیلی- هندو آن را از زنان دریغ می دارد.

این جنبش حدود سی سال با دولت سریلانکا جنگید تا سرانجام در اردیبهشت ماه [ثور] سال ۸۸، ناگهان به پایان خود رسید. ببرها که خواهان استقلال بخشی از جمهوری سریلانکا بودند، قوی ترین و پیشرفته ترین جنبش ضد دولتی در دنیا به شمار می آمدند. آن ها می توانستند با هواپیما به مواضع دولتی حمله کنند، ماهواره ها را مورد هجوم الکترونیک قرار داده از کار بیندازند و... این توانائی ها افزون بر قدرتی بود که در جنگ های چریکی داشتند. تشکیلات منظم و کارآموده ببرهای تامیل، امروز دیگر به تاریخ پیوسته است. پایان یک باره این نیروی جنگاور معاصر پرسش هایی چند را در هر ذهن کنجکاو برمی انگیزد.

اعضای ببرهای تامیل یا - جنبش آزادی بخش خلق تامیل (ایلیم)، شجاعت، پشت کار و تعهدی مثال زدنی داشتند. هدف جنبش آزادسازی بخشی از خاک جزیره سریلانکا از مدیریت دولت مرکزی و کسب استقلال مردم تامیل بود. ببرهای تامیل، در راه این هدف ذره ای تردید نداشتند. آن ها از معدود جنبش های غیرمذهبی دنیای معاصر بودند.

از ماه اگست ۲۰۰۶ - سنبله ۱۳۸۵، که رئیس جمهوری سریلانکا عزم خود را برای نابود کردن ببرها جزم کرد، تاریخ این جنبش به آخرین سال های حیات خود رسید.

در انتخابات ریاست جمهوری سریلانکا در سال ۲۰۰۵ - ۱۳۸۴، «راجاپاکسه» بر رقیبش «رانیل ویکرم سینگ»، نخست وزیر وقت، پیروز شد. یکی از وعده های مهمی که راجاپاکسه در فعالیت های تبلیغاتی انتخاباتی به مردم داد، «نابودی تروریسم» در جزیره سریلانکا و شکست نظامی ببرهای تامیل بود. در این بین عجیب آن بود که ببرها در انتخابات از راجاپاکسه حمایت می کردند، زیرا می خواستند ویکرم سینگ را از دست یابی به قدرت باز بدارند. راجاپاکسه، با کسب ۱۵۰ هزار رأی بیش تر از حریف، به پیروزی رسید. او از ابتدای رسیدن به ریاست جمهوری درصدد بود تا فرصت مقتضی را به دست آورده اقدام به عملیات نظامی علیه ببرها کند. تا سرانجام در اگست ۲۰۰۶ - سنبله ۱۳۸۵، این فرصت را به دست آورد. ببرها که در شمال کشور با دولت مخالفت می کردند، مجرای انتقال آب را مسدود کردند. انسداد مجرای انتقال آب، بهانه ای برای درگیری شدید بین ببرها و مأموران دولتی شد و سپس به یک جنگ تمام عیار خانمانسوز تبدیل گردید. در واقع این جنگ، آغاز روند پایان کار جنبش ببرهای تامیل بود. نیروهای دولتی، قدم به قدم و به صورت متوالی سنگرهای تامیل ها را یکی پس از دیگری و به خونین ترین شکلی تسخیر می کردند تا سرانجام روز پایان ماجرا فرا رسید.

ببرها، آن اقدام دولت را علیه منافع هزاران کشاورزی می دانستند که کار و روزگارشان به آب وابستگی دارد. ببرها اعلام کردند که دولت علاوه بر این در عمل به تعهدات خود برای عمران منطقه کوتاهی ورزیده و طرح های عمرانی این منطقه را تأمین مالی نمی کند.

روز ۱۴ اگست ۲۰۰۶ دو رویداد بسیار مهم به وقوع پیوست: «بشیرولی» سرگرد بازنشسته ارتش پاکستان هدف سوءقصد نافرجامی قرار گرفت. در همان روز دولت سریلانکا، مدرسه دخترانه ای را بمباران کرد و در نتیجه این عملیات، ۵۳ دختر دانش آموز کشته شدند. دولت انجام عملیات را مورد تأیید قرار داد اما ادعا کرد که این مدرسه محل تربیت بمب گذاران انتحاری بود.

در ماه دسمبر همان سال، یکی از بمب گذاران انتحاری عضو ببرهای تامیل خود را به ستون خودروهای حامل وزیر دفاع کوبید. وزیر وقت دفاع برادر راجاپاکسه رئیس جمهوری بود. او بیست سال پیش از ارتش بازنشسته شده و در امریکا مغازه ای باز کرده بود. او که مقیم دائم امریکا بود از فردای ریاست جمهوری برادرش و بنا به دعوت دولت او به سریلانکا بازگشت تا عهده دار سمت وزارت دفاع گردد. برادر رئیس جمهوری در کنار ژنرال فونسکا، دو قطب بزرگ مخالف ببرها بودند که هر دو هم مورد سوءقصد قرار گرفتند. دولت راجاپاکسه در آغاز سال ۲۰۰۷ سرسختانه مصمم گشت تا مبادرت به قلع و قمع ببرهای تامیل کند و آنان را در مقر خودشان نابود سازد.

در جولای ۲۰۰۷ - سرطان ۱۳۸۶، عملیات پاک سازی مناطق شرق از حضور ببرها، کامل شده و به پایان رسید. اما پیش تر در همان ایام که عملیات در شرق جریان داشت، دولت راجاپاکسه یک تیپ ارتش را به «مانار» اعزام کرد تا پاک سازی آن منطقه هم آغاز شود. پس از پایان کار در این دو منطقه، عملیات دیگری در سپتمبر ۲۰۰۷ - سنبله ۱۳۸۶، در شمال شرق آغاز شد.

عملیاتی که در شرق به اجراء درآمد، موجب شد که چریک های ببرهای تامیل به عمق مناطق شمالی عقب نشینی کنند. چریک ها این کار خود را «عقب نشینی ستراتژیک» عنوان کردند. در گیری ها، هم چنان ادامه داشت. ببرهای تامیل، می دیدند که حمله ای سهمگین و همه جانبه ای در راه است. به همین دلیل، مواضع و تجهیزات خود را تا آن جا که می توانستند به خطوط داخلی تر انتقال می دادند. همراه با این عقب نشینی جمعیت انبوهی از مردم هم کوچ کرده به عمق نواحی شمال رفتند.

نواحی شمال جمهوری سریلانکا، از دیرباز محل زندگی و زیست گاه مردم تامیل است. ببرهای تامیل هم از درون این مردم برخاسته و تلاش هائی را برای استقلال ناحیه تامیل نشین از دولت مرکزی جزیره آغاز کرده بودند. نیروهای ارتشی مستقر در ناحیه تامیل نشین هم چون از بقیه نواحی جزیره به آن جا انتقال داده می شدند، شدیداً رفتار ضدتامیلی و تبعیض آمیز و فاشیستی داشتند. این مسأله باعث شده بود که جنبش تامیل ها در قلب مردم این منطقه جای بگیرد و قدرت مندتر شود.

عملیات ارتش سبب شد که حدود ۳۰۰ هزار نفر از مردم تامیل هم به طرفداری از ببرها برآمدند و ضدیت خود را با ارتش پنهان نکنند. این ها همان جمعیت انبوهی بودند که پایه پای ببرها در عقب نشینی ستراتژیک آن ها، خانه و کاشانه خود را ترک گفته با زن و بچه و مال و اموال به شمال کوچ می کردند. در عین حال این افراد، کسانی بودند که جنبش ببرها را باور داشته، همراهی و پشتیبانی آن را وظیفه خود می دانستند.

در ماه مارچ ۲۰۰۷ - حوت ۱۳۸۵، جنبش ببرها عملیاتی هوائی انجام داده بودند که قطعا در جلب هواداری و پشتیبانی مردمی آثار مثبتی داشت. دو تن از اعضای جوخه انتحاری هوائی (ببرهای سیاه) با دو فروند هواپیمای سبک حمله جسورانه ای را به دو موضع ارتش انجام داده به سلامت به پایگاه ببرهای تامیل بازگشتند. جنبش ببرها، عکس های آن دو عضو جوخه هوائی را منتشر کرد. آن موقع همه دریافتند که ببرهای تامیل قدرت هوائی هم دارند.

ببرهای آزادیخواه تامیل یک سازمان مسلح سکولار و چپ استقلال طلب در سریلانکا بود. این گروه در می سال ۱۹۷۶، در حالی تأسیس شد که فقر و بی کاری و ستم اکثریت مردم تامیل را زمین گیر کرده بود.

ببرهای تامیل، سال ها برای رفع ستم و نابرابری و استقلال خود جنگیدند و در این راه نیز قربانیان بی شماری دادند. آن ها، بعد از ۳۶ سال نبرد سیاسی و مسلحانه سرانجام با دولت مرکزی به مذاکره نشستند و سلاح های خود را بر زمین گذاشتند.

بنا به نوشته پایگاه اینترنتی ببرهای تامیل (ال تی تی تی)، یک سویه اعلام آتش بس کردند و علت آن را جلوگیری از صدمات بیش تر به غیرنظامیان ذکر نمودند. آن ها، در بیانیه اینترنتی خود نوشتند: «غیرنظامیان تامیلی قربانی بمباران، بیماری و گرسنگی می شوند. راه دیگری پیش روی ما نیست، جز این که سلاح هایمان را زمین بگذاریم.» و در پایان نیز روز دوشنبه ۱۸ می ۲۰۰۹ برابر با ۲۸ ثور ۱۳۸۸، تلویزیون دولتی جمهوری سریلانکا، به نقل از منابع نظامی این کشور گزارش کرد که مقاومت شورشیان مسلح تامیل که در محاصره نیروهای دولتی بودند به طور کامل در هم شکسته و ولوپیلای پرابهاکاران، رهبر سازمان ببرهای آزادیبخش تامیل، در جریان این نبرد نهائی کشته شده است.

تامیل ها ۱۵ درصد جمعیت ۲۱ میلیون نفری سریلانکا هستند و عمدتاً در شمال جزیره به سر می برند. آن ها، پیرو آئین هندو هستند، اما سین هالی ها که اکثریت و دولت را در اختیار دارند، بودائی هستند. ۹۰ درصد جمعیت ۲۱ میلیونی سریلانکا با سواد هستند. بر اساس آمارهای رسمی و مرسوم، سین هالائی (۸/۷۳)، تامیلی هندی (۶/۴)، تامیلی سریلانکائی (۹/۳) و سریلانکائی مور (۲/۷) ملیت های اصلی این کشور را تشکیل می دهند که ۷۰ درصد (سین هالائی) پیرو بودا می باشند و ۶/۷ درصد (تامیل و مور) مسلمانند، هفت درصد هم (تامیل) پیرو آئین هندو و ۲/۶ درصد دیگر نیز مسیحی اند.

جنبش ببرها، هم چنان مواضع خود را یکی پس از دیگری ترک می کرد. ارتش از هر روستا و شهر قدم به قدم جلو می آمد و ببرها چاره ای جز عقب نشینی نداشتند. در نتیجه جغرافیای ببرها، همواره کوچک تر و تنگ تر می شد. تا سپتمبر ۲۰۰۸، حدود ۱۰ هزار کیلومتر از اراضی و مناطقی که قبلاً زیر کنترل ببرها بود از دست آن ها خارج شد و فقط ۵ هزار کیلومتر از قلمرو قبلی خود را در اختیار داشتند.

«پرابهاکاران»، فرمانده جنبش در روز ۲۷ نومبر ۲۰۰۸ - ۱۷ عقرب ۱۳۸۷ که سالروز تولدش و «روز قهرمانان» ببرها بود در سخنانی که ایراد کرد، گفت: «سرزمین تامیل ها با جنگ شدیدی درگیر شد که تاکنون شاهد آن نبود. اکنون شعله های جنگ از هر گوشه و کنار این سرزمین زبانه می کشید و دم به دم بر شدت وحدت آن افزوده می شد. آتش افروز این جنگ هم دولت بود که در اختیار سینهالی هاست. اما دود این آتش فقط به چشم مردم تامیل می رفت. دولت سینهالی قصد داشت آتش را تندتر کند تا گرما و حرارت آن تامیل ها را بیش تر بسوزاند و آن ها را با این روش به قیام علیه جنبش ببرها وادارد.»

حدود ۳۰۰ هزار نفر از مردم همراه پرابهاکاران و چریک های سازمان وی، خانه و کاشانه خود را ترک کردند به کوچ ناگزیری تن دادند. تامیل ها، از هر سو در محاصره بودند و ضروری بود تا خود را از خط مقدم جنگ دور سازند.

در روزهای پایان دسمبر و آغاز جنوری ۲۰۰۸ - جدی ۱۳۸۷، شهر کیلی نوچی به دست ارتش افتاد. کیلی نوچی، مقر ستاد مرکزی جنبش چریک های تامیل بود. چریک ها از چند هفته قبل از آن، وقتی اوضاع را وخیم دیده بودند، این شهر را تخلیه کردند. براساس گزارشات، وقتی ارتش وارد کیلی نوچی شد، شهر خالی از سکنه و عاری از هر جنب و جوش بود. سگ ها در گوشه و کنار شهر پارس می کردند و گاو ها در خیابان ها پرسه می زدند.

روز ۲۵ جنوری ۲۰۰۸ - ۱۵ جدی ۱۳۸۷، «مولایتی‌وو» هم سقوط کرد. از آن به بعد جنگ شدیدتر و شدیدتر شد. جنگی خشن که در آن به هیچ کس از مردم گرفته تا چریک‌ها رحم نمی‌شد. پرابهاکاران، مردم همراه خود را از «مولایتی‌وو» به «پوتوکودیروپو» کشید. جنگ در این جا، شکل متفاوتی به خود گرفت. در کیلی نوچی و مولایتی‌وو چریک‌ها شهر را تخلیه کرده بودند، اما در «پوتوکودیروپو» ارتش با سرعتی سررسید که امکان عقب‌نشینی و تخلیه شهر برای چریک‌ها فراهم نشد. جنگ در شهر به پا شد. تلفات جنگی که در شهر درگیر بی‌تردید سنگین است و در این مورد چنان که بعداً مشخص شد هر دو طرف تلفات زیادی دادند. اما تلفات ببرها سنگین‌تر بود. ببرها بخش اعظم نیروی جنگی خود را به علاوه شماری از فرماندهان میانی خود از دست دادند. شهر تبدیل به ویرانه شد. چریک‌ها دیواری به طول ۱۰۰ کیلومتر کشیده بودند که پشت آن گودالی به عمق بیش از ۳ متر حفر شده بود. آن‌ها می‌خواستند با احداث این مانع، از پیشروی ارتش جلوگیری کنند و سربازان ارتش را پشت دیوار متوقف سازند. از طرفی می‌خواستند جلو قتل عام مردم را بگیرند. اما ارتش دیوارها را ویران کرد و با سرعتی باورنکردنی سرتاسر منطقه شمالی کشور را تصرف کرد. در ماه‌های آغاز سال ۱۳۸۸ سرتاسر نواحی تامیل‌نشین شمالی سریلانکا به تصرف ارتش آدم‌کش درآمد. چریک‌های باقی‌مانده قتل عام شدند. معدودی از آن‌ها به سایر نقاط سریلانکا و یا به جزایر مجاور گریختند و به طریقی خود را به هندوستان رساندند.

دولت در هفته آخر سپتامبر ۲۰۰۸ - اوایل میزان ۱۳۸۷، با انتشار بیانیه‌ای به سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات وابسته به ملل متحد اعلام کرد که از نواحی تحت سلطه ببرهای تامیل خارج شوند. دولت در آن بیانیه، ضرب‌الاجلی برای خروج و تخلیه مناطق یادشده، تعیین و تأکید کرد که از آن به بعد مسوولیتی در قبال سلامت و امنیت کسی در این مناطق نخواهد داشت.

دولت و ارتش جمهوری سریلانکا، از همه سو تحت فشار قرار گرفتند، اما توجهی به اعتراضات افکار عمومی نشان نداده و به عملیات نظامی خود ادامه دادند. در اکتوبر و نومبر ۲۰۰۸، جنگ همه‌جانبه‌تر از گذشته شده بود. جنگی همه‌جانبه که دولت در آن، همه امکانات و نهایت ستراتیژی، منابع، اطلاعات و همه لوازم و ملزومات جنگی را به کار انداخته بود.

ارتش اعلام کرد که پرابهاکاران فرمانده چریک‌های ببرهای تامیل هم کشته شده است. ماه می ۲۰۰۹ - ثور ۱۳۸۸، به پایان نرسیده بود که داستان جنبش چریکی ببرهای تامیل به پایان رسید.

«ولوپیلای پرابهاکاران»، رهبر جنبش ببرهای تامیل در آخرین مراحل جنگ داخلی با ارتش سریلانکا همراه با پسر ارشدش و دوازده تن دیگر از مقامات ارشد و میانی جنبش کشته شد. مرگ او پایان جنبش تامیل نیز بود.

پرابهاکاران، از مردم تامیل و دهقان زاده‌ای بود که با لباسی که برتن داشت از خانه پدیری فرار کرد. وی، بر مبارزه برای رفع ستم ملی و طبقاتی از موضع چپ تأکید داشت. وی که در سال ۱۹۸۰ - ۱۳۵۹، که جنبش تامیل را تشکیل داد جمع‌اعضای آن ۴۰ نفر و کل سلاح‌هایی که داشتند ۲۵ قبضه سلاح سبک بود. سه سال که گذشت تامیل‌ها، به یمن تلاش و مبارزه‌شان به موقعیت چشم‌گیری رسیدند که بی‌سابقه بود. وقتی جنبش سه‌ساله شد قسمتی از شمال کشور را به تصرف درآورده بود و در ده سالگی، بخش عمده شمال و شرق کشور را در اختیار داشت.

در سال ۱۹۹۰ - ۱۳۶۹، «چاندریکا کوماراتونگا» رئیس‌جمهوری وقت سریلانکا اعتراف کرد که ببرهای تامیل دو سوم سواحل و یک سوم خشکی‌های آن کشور را در اختیار دارند. آن‌ها در دوره‌ای دولتی در درون دولت سریلانکا به حساب می‌آمدند.

در آغاز سال‌های ۹۰ و با فروپاشی بلوک شرق، بحث‌هایی را پیرامون اهداف و برنامه ببرهای تامیل در میان فعالان این جریان به همراه داشت. این بحث‌ها سرانجام به تغییرات سیاسی محسوسی انجامید. به این ترتیب خواست «حق

تعیین سرنوشت تا سر حد جدائی» جای خود را به خواست «خودگردانی محلی در چارچوب سریلانکائی واحد» داد. بر این بستر تلاش های جدیدی برای دست یابی به صلح آغاز شد؛ و سرانجام مدت کوتاهی پس از واقعه سپتمبر ۲۰۰۱، ببرهای تامیل با میانجی گری نروژ آمادگی خود را برای صلح با دولت سریلانکا اعلام نمود. در سال ۲۰۰۲ و پس از چندین دور مذاکره، قرار داد آتش بس میان طرفین امضاء شد. این اما پایان جنگ و خونریزی در این کشور نبود. هم زمان با آغاز مذاکرات آتش بس، مخالفت های جناحی از بورژوازی سریلانکا، که خواهان سرکوب و در هم شکستن کامل ببرهای تامیل هستند، شدت گرفت. این مخالفت ها خود را با کارشکنی های این جناح در روند مذاکرات نشان داد. جناح دیگر بورژوازی، که بخشی از سوی دولت های اروپائی حمایت می شدند، رسیدن به توافق با ببرهای تامیل را منوط به تغییراتی در قانون اساسی این کشور می کرد. همین امر فرصت مناسبی را برای جناح رقیب، که از سوی دولت امریکا حمایت می شد، به وجود آورد تا با تأکید بر مبارزه علیه تروریسم و دامن زدن به احساسات شوونیستی توده ها، در انتخابات نومبر سال گذشته قدرت دولتی را قبضه کند. از فردای پیروزی «ائتلاف متحد»، سرکوب و در هم شکستن مقاومت ببرهای تامیل به طور سیستماتیک در دستور کار قرار گرفت. حاصل این سیاست جنایت کارانه مرگ بیش از ۱۵۰۰ نفر بوده است.

جهان به قتل عام ۳۰۰ هزار انسان چشم بسته بود حتی در نزدیک آن ها، یعنی هندوستان هم کسی به هشدارها و درخواست های پرابهاکاران توجهی نمی کرد. به جز چند تن از مقامات ارشد استان «تامیل نادو» که خواهان قطع حملات ارتش سریلانکا شدند و ادامه آن را مساوی با کشتار هزاران نفر از تامیل ها اعلام کردند. استاندار تامیل نادو، از دولت هند خواست تا واکنش لازم را نشان دهد. او حتی تهدید کرد که به اتفاق وزیران کابینه اش دسته جمعی استعفاء خواهند داد، مگر آن که دولت هند از سریلانکا بخواهد تا عملیات ارتش را متوقف سازد. راجاپاکه رئیس جمهوری سریلانکا، در نطقی که ایراد کرد، پاسخی «محترمانه؟!» به این درخواست داد، اما این فقط در حرف بود و در عمل ارتش کار خود را هم چنان دنبال می کرد. سرعت عملی که ارتش به خرج داد برای ببرهای تامیل قابل تصور نبود. به این ترتیب، جنگ همه جانبه و بی امان و ناعادلانه ارتش سریلانکا علیه جنبش تامیل، کتاب مبارزه ۳۷ ساله آن را بست.

سکوتی که در مراحل عملیات ارتش سریلانکا در دنیا برقرار بود، نباید فراموش شود. چرا که دولت و ارتش سریلانکا، در جریان عملیات کشتار نه تنها چریک های تامیل، بلکه مردم عادی نیز از هر خشونت و بی رحمی غیرقابل تصور فروگذار نکرد و اخبار جنایت ها و بی رحمی های ارتش سریلانکا هم در دنیا منتشر شد. اما دولت های جهان و نهادهایشان در مقابل این همه وحشی گری دولت سریلانکا سکوت کردند. رهبری پ.ک.ک، موظف است این نوع تجارب را همواره ملکه ذهن خودش قرار دهد تا قربانی ترندهای دولت ترکیه و حاکمان بین المللی آن نشود.

سازمان ملل می گوید در پنج ماه آخر جنگ داخلی سریلانکا دست کم ۷۰۰۰ غیرنظامی کشته شدند. مرکز مطالعاتی گروه بحران بین المللی طی گزارشی اعلام کرد در مراحل نهائی جنگ داخلی سریلانکا دست کم ۳۰ هزار غیرنظامی کشته شدند.

ظاهراً در سازمان ملل «کمیسون» رسیدگی کننده به آخرین سال های جنگ سریلانکا نیز در سال ۱۳۸۹ تشکیل شد تا در مورد آخرین سال های جنگ این کشور میان ارتش و چریک های تامیل تحقیق کند. اعضای این کمیسیون توسط دولت این کشور انتخاب شده اند و محدوده عملکرد آن ها محدود است. گروه های حقوق بشری می گویند نیروهای دولتی و شورشیان ببرهای تامیل ممکن است پیش از پایان جنگ در سال پیش، مرتکب جرایم جنگی شده باشند.

دولت سریلانکا، بی شرمانه و وقیحانه این مسأله را که نیروهایش مرتکب جرایم جنگی شده اند، رد کرده و تشکیل این کمیسیون را دلیلی بر این مدعا می داند.

براساس گزارش خبرگزاری آسوشیئدپرس، بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل یک هیأت تحقیقاتی سه عضوی تشکیل داد تا در خصوص جنگ داخلی سریلانکا و ادعاهای موجود درخصوص آن به وی مشاوره دهد. اما سریلانکا از همکاری با این هیأت سرباز زد و برای اعضای آن ویزا صادر نکرد و اعلام نمود تشکیل این هیأت حاکمیت سریلانکا را نقض می کند. حتی گروه های حقوق بشر، نیروهای دولتی را متهم به محدود کردن دسترسی اقلیت تامیل به دارو و مواد غذایی کردند.

واقعیت ها نشان می دهد که این نوع اقدامات دولت های سرمایه داری و نهادهای بین المللی آن ها، تنها در راستای رقابت هایشان صورت می گیرد و چندان دستاوردی مهمی برای بشریت محسوب نمی شود.

به این ترتیب، نگرش و عملکرد و سیاست های دولت ها و گرایشات مختلف نئولیبرالیسم به مبارزه مسلحانه در کشور های متحول افریقا و خاورمیانه به هیچ وجه قابل پرده پوشی نیست.

در این میان، قتل عام چریک های مسلح سریلانکا، یکی از کارنامه های سیاه دولت های غربی در همکاری با دولت سریلانکا، علیه نیروهائی است که در مقابل دیکتاتور ها دست به اسلحه برده اند.

حدود هفت سال پیش حملات ارتش سریلانکا به چریک های مسلح ضددولتی شدیدتر شد. چریک های ضددولتی موسوم به «ببرهای تامیل» در مقابل سرکوب های حکومت دست به اسلحه برده بودند. این حملات نظامی در حالی شدت گرفت که بین حکومت و ببرهای تامیل از سال ۲۰۰۲ میلادی آتش بس برقرار شده بود و چریک ها در حال مذاکره با حکومت بودند.

سازمان ملل متحد، به جای محکوم کردن حکومت آدم کش سریلانکا و دفاع از آزادی و برابری ملیت ها و آزادی های عمومی که در قوانین خودش مدعی شده است به طور یک جانبه به محکوم کردن فعالیت های سیاسی چریک های چپ تامیل پرداخت.

سازمان ملل و دولت های قدرت مند غرب و در رأس همه دولت امریکا که همواره به بهانه های مختلف در مسائل کشورهای جهان دخالت می کنند، نه تنها به این کشتار بخشی از مردم سریلانکا و چریک های مسلح چپ اعتراضی نکردند، بلکه مستقیماً به حمایت از جنایات حکومت آدم کش سریلانکا برخاستند. به این ترتیب، دولت های به اصطلاح دمکرات و سکولار غربی، به قتل عام هزاران تامیلی و خانواده آن ها، کوچک ترین اعتراضی نکردند.

از این رو، کشتار و نابودی ببرهای تامیل، یکی از بزرگ ترین جنایات حکومت ها علیه بشریت در تاریخ اخیر بوده است. در واقع جنبش ببرهای تامیل، هم به روند مذاکرات خوش باور شد و بخشی از آن سلاح های خود را زمین گذاشتند تا در عرصه سیاسی مبارزات خود را پیش ببرند و هم زیر سنگین ترین و خشن ترین حمله های مداوم ارتش سریلانکا به کلی نابود گردید.

از زمانی که دولت های غربی گروه های مخالف حکومت سوریه را در ترکیه گرد هم آورده اند و حتی آن ها را در پایگاه هائی در ترکیه آموزش نظامی می دهند و به داخل سوریه می فرستند حدود هفت هزار نفر از مردم عادی این کشور، در میان جنگ نیروهای حاکمیت و اپوزیسیونی که مورد حمایت غرب و ترکیه است جان باخته اند. میلیون نفر نیز از خانه و کاشانه خود آواره شده اند. در حال حاضر حکومت ترکیه در صف مقدم دولت هائی قرار دارد که مخالف حکومت بشار اسد هستند. اسلام دولت ترکیه، حتی از سوی دولت های غربی نیز به عنوان ایدئولوژی آلترناتیو تحولات منطقه در سطح وسیعی تبلیغ و ترویج می شود. در حالی که حکومت ترکیه، بیش از سه دهه است کردکشی به بهانه مبارزه با پ.ک.ک، ده هزار از مردم کرد را کشتار کرده و میلیون ها نفر را آواره کرده است.

در چنین شرایطی، در حقیقت دولت ترکیه، هم بر اثر مقاومت مردم حق طلب کرد، فشارهای افکار عمومی داخلی و بین المللی، تحولات سوریه به ویژه مناطق کردنشین این کشور و هم به دلیل عضویت در اتحادیه اروپا، وادار به عقب

نشینی شده و با اوجالان به مذاکره نشسته است. «نقض حقوق بشر» و رعایت حقوق اقلیت ها را تا به امروز بزرگ ترین مانع رسیدن ترکیه به اتحادیه اروپا بوده است. اگر دولت ترکیه بتواند این مانع مهم را از سر راه بردارد احتمالاً راهش به اتحادیه اروپا باز خواهد شد.

لازم است تأکید کنم که من هرگز طرفدار سیاست های پ.ک.ک نبودم و نیستم. چرا که اهداف و سیاست های پ.ک.ک جناح چپ بورژوازی کرد را نمایندگی می کند و ربطی به مبارزه طبقاتی با ستراتیژی کارگری کمونیستی ندارد. اما، به رسمیت شناختن بدون قید و شرط کلیه حق و حقوق و مطالبات مردم کرد را نه تنها در ترکیه، بلکه در ایران و کل خاورمیانه یک دستاورد بشری می دانم و از این نظر عملکرد دولت های منطقه در قبال مردم کرد و دیگر ملیت های تحت ستم را غیرانسانی و فاشیستی می دانم. به علاوه مسئله مردم فلسطین و مسئله مردم کرد، از مسایل گری و مهم منطقه پرتلاطم خاورمیانه است که بدون حل اساسی آن ها، بعید می دانم که این منطقه به صلح و آرامش واقعی برسد! اما ضروری است که پ.ک.ک، نخست باید تحولات ملموسی را از طرف دولت ببیند و لمس کنند و سپس سلاح خود را زمین بگذارد تا به سرنوشت چریک های تامیل دچار نگردد!

اگر دولت ترکیه، حق و حقوق مردم کرد را به رسمیت بشناسد موظف است تغییرات اساسی در قانون اساسی ترکیه را بپذیرد و در این راستا گام های عملی و جدی بردارد. اگر مسئله مردم کرد در این کشور، حل شود بی شک تمامی آزادی ها را، یعنی آن سیاست هائی که برای حل مسئله مردم کرد پذیرفته می شود، باید برای علویان و دیگر اقلیت ها، کارگران، نویسندگان، روزنامه نگاران، احزاب، تشکل های دموکراتیک مردمی و غیره نیز به طور کامل پذیرفته شود. البته برخی گرایشات بورژوائی کرد ایرانی، از جمله برخی روزنامه نگاران و تحلیل گران راست، از همین الان مذاکره اوجالان با حکومت ترکیه و خلع سلاح پ.ک.ک را الگوی مناسبی برای جریانات کرد ایرانی، که بیش از سه دهه است علیه حکومت اسلامی مبارزه مسلحانه می کنند، به عنوان یک راه حل نشان می دهند. در حالی که تحولات ترکیه با تحولات ایران، از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت های بسیاری دارند و در واقع این سیاست، به نوعی کم کردن فشار بر روی حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است. حکومت اسلامی ایران، با سرکوب خونین بزرگ ترین انقلاب قرن، پایه های خود را محکم کرد؛ پایه هائی که مدت هاست در حال فروریزی است. بنابراین، حکومت اسلامی، به دلیل ۳۴ سال جنایت علیه بشریت، هرگونه جای گفت و گو و مذاکره را از بین برده است. از این رو، ارتباط و مذاکره با این حکومت در هر سطحی، یک جنایت محسوب می شود. هر جریانی که به این راه کشیده شود همانند خود حکومت اسلامی، از نظر اکثریت مردم ایران، منفور و تبهکار است. به علاوه این که حکومت اسلامی، عبدالرحمان قاسملو رهبر حزب دموکرات کردستان ایران را بر سر میز مذاکره در اتریش ترور کرد. این مذاکره در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، برگزار شده بود؛ تروریست ها که از جانب خامنه ای رهبر حکومت اسلامی و رفسنجانی رئیس جمهوری وقت مأموریت داشتند و هم چنین گفته می شود احمدی نژاد رئیس جمهوری کنونی نیز آن زمان مسؤولیت تیم های ترور را در سفارت حکومت اسلامی در اتریش برای کشتن قاسملو به عهده داشت. ناگهان وارد جلسه شدند و قاسملو و همراهانش را در حال مذاکره به فجیع ترین شکلی کشتند تا به خیال خود این طور وانمود کنند که گروه ناشناسی دست به این اقدام زده است. اما همه مستقیماً انگشت اتهام را به سوی سران حکومت اسلامی گرفتند.

مسلم است که مسئله ملی و چگونگی حل آن، به ویژه در دهه های اخیر یکی از مهم ترین معضلات جامعه بشری بوده است به ویژه پاک سازی ملی در یوگسلاوی سابق، بار دیگر توجه همگان را به این مسئله معطوف کرد. ممنوعیت زبان مادری، یکی از ابتدائی ترین و به حق ترین مسئله هر فردی است که به آزادی و برابری و دموکراسی، یعنی برقراری حقوق برابر و آزادی های فردی و انسانی در جوامع بشری باور دارد؛ بنابراین آزادی زبان مادری و به

رسمیت شناختن بدون قید و شرط حقوق مردم تحت ستم و اقلیت ها، از اصول اولیه آزادی، برابری و همبستگی و مشارکت همه شهروندان در تمامی امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. این همبستگی انسانی به ویژه در چهارچوب یک کشور، تنها زمانی امکان پذیر است که همه شهروندان از حقوق یکسان و برابر و آزادانه ای برخوردار باشند و هیچ ملیتی و زبانی بر دیگری برتر نباشد. به عبارت دیگر، با سرکوب و کشتار نمی توان مردمی را تا ابد در چهارچوب یک کشور نگاه داشت. هر چه این سرکوب ها تحقیرآمیزتر و شدیدتر باشد به همان شدت نیز راه بر درگیری های خونین ناسیونالیستی و شوونیستی باز می شود. بی شک، جهان نه به سوی بربریت و فاشیسم و نژادپرستی، بلکه به سوی آزادی و برابری و عدالت در حرکت است! همان طور که **ناظم حکمت**، شاعر سرشناس و کمونیست ترکیه‌ئی، به زیباترین شکلی این مسأله را در قالب شعری چنین سروده است:

«زیباترین دریا

دریانی است که هنوز در آن نرانده ایم

زیباترین کودک

هنوز شیرخواره است

زیباترین روز

هنوز فرا نرسیده است

و زیباتر سخنی که می خواهم با تو گفته باشم

هنوز بر زبانم نیامده است.»

سه شنبه هشتم حوت ۱۳۹۱ - بیست و ششم فیروزی ۲۰۱۳